





دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بازتاب مسائل سیاسی و اجتماعی در رمان های فارسی

(با تأکید بر هفده رمان برگزیده)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علیرضا نبی لو

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر احمد رضایی جمکرانی

نگارنده:

سمیه ترکاشوند

تابستان ۱۳۸۹

تقدیم به برادرم

او که آهنگ صدایش برایم ضربان زندگی است.

با سپاس از

جناب آقای دکتر نبی لو که هم در زمینه ی انتخاب موضوع و هم بعد از آن، صبورانه مرا راهنمایی کردند و در نوشته شدن این تحقیق نقش مؤثری ایفا نمودند و جناب آقای دکتر رضایی جمکرانی که در طول این مدت، از نکته سنجی های علمی شان استفاده کردم. و با تشکر از مؤسسه ی تحقیقاتی اخوان دستمالچی یزد که در طی این تحقیق، از گنجینه ی غنی کتاب هایشان بهره بردم.

چکیده

رمان روایت زندگی است و اگر فکری در پس این روایت نهفته باشد قادر است اندیشه‌ها را متحول کند و دل‌ها را تسخیر نماید. جامعه با آدم‌ها، مکان‌ها و ویژگی‌های بارزش همواره الگوی ثابت نویسندگان است برای بیان داستان‌هایشان. این تحقیق می‌کوشد تا با بررسی تعدادی از رمان‌های معاصر فارسی در سه دوره‌ی زمانی مشخص، به ارتباط پنهان میان اجتماع و رمان دست یابد و تأثیرگذاری‌اش را بر مخاطب، مورد نقد و بررسی قرار دهد. اگر روزگاری انقلاب مشروطه و استبداد بعد از آن زمینه‌ساز ظهور رمان در ادبیات شد؛ در روزگاری دیگر، تبعید رضاخان و حضور کمونیست‌ها، بستری متفاوت را برای خلق داستان‌ها فراهم کرد و در نهایت بعد از کودتای ۱۳۳۲ نویسندگان، نوشتن در فضایی بسته و محدود را بار دیگر تجربه کردند؛ تجربه‌هایی که در شکل‌گیری و تحول رمان فارسی نقش اساسی ایفا کرده‌اند. تاریخ از سویی و تحولات ادبی از سویی دیگر سبب شده‌اند تا رمان فارسی در دوره‌ای از طول حیات خود راوی عاشقانه‌های زندگی شود و در دوره‌ای دیگر چهره‌ی خشن، انقلابی و آرمانی خود را به نمایش بگذارد. این تحقیق می‌کوشد تا چرایی و چگونگی این تحولات را در رمان‌های برگزیده بشناسد و در پس آن، مؤلفه‌های ادبیات متعهد سال‌های استبداد را نشان دهد.

کلمات کلیدی: ادبیات داستانی، اجتماع، سیاست، نویسنده، مخاطب.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه
۱۲	۱- بیان مسئله:
۱۷	۲- دوره های تاریخی تحقیق:
۱۷	۳- سؤال های اصلی تحقیق:
۱۸	۴- پیشینه ی تحقیق:
۱۸	۵- فرضیه های تحقیق:
۱۸	۶- روش تحقیق:
۱۸	۷- اهداف و ضرورت تحقیق:

فصل اول: ایران در گذر تاریخ

۲۱	۱-۱- ایران در آستانه ی مشروطیت:
۳۰	۱-۲- اولین کودتای تاریخ ایران:
۳۲	۱-۳- حکومت رضاخان:
۳۵	۱-۴- حکومت محمدرضا:
۳۸	۱-۵- حاکمیت یک قدرت نظامی:

فصل دوم: اجتماع در آینه ی رمان

۴۵	۲-۱- حکایت روزگاران:
۴۸	۲-۲- تأثیر وقایع مهم سیاسی و اجتماعی در تبیین مضامین رمان فارسی:
۴۸	۲-۲-۱- جنبش های اجتماعی:
۴۸	۲-۲-۱-۱- انقلاب مشروطه
۴۹	۲-۲-۱-۲- بیان فعالیت های حزبی و مبارزاتی
۵۳	۲-۲-۱-۳- سرخوردگی مبارزان
۵۴	۲-۲-۱-۴- مبارزه علیه استعمار به دور از دنیای مبارزات حزبی
۵۵	۲-۲-۲- زن در نگاه جامعه:
۵۵	۲-۲-۲-۱- زن، چهره ای شیطانی
۵۷	۲-۲-۲-۲- زن، قربانی خاموش
۶۳	۲-۲-۲-۳- نقش زن به عنوان یک شخصیت انقلابی
۶۳	۲-۲-۳- آسیب شناسی دینی:

- ۶۳..... ۲-۲-۳-۱- عدم وجود درک درست از دین
- ۶۹..... ۲-۲-۳-۲- جدایی دین از سیاست
- ۷۰..... ۲-۲-۳-۳- کشف حجاب
- ۷۲..... ۲-۲-۳-۴- خرافات
- ۷۴..... ۲-۲-۴- خانواده:
- ۷۴..... ۲-۲-۴-۱- تزلزل در بنیان خانواده
- ۷۵..... ۲-۲-۵- سیاست:
- ۷۵..... ۲-۲-۵-۱- مخالفت با مشروطه و مشروطه خواهان
- ۷۷..... ۲-۲-۵-۲- سیاست از نگاه عوام
- ۷۷..... ۲-۲-۵-۳- اظهار عقیده های سیاسی درباره ی قدرت های دیگر
- ۷۹..... ۲-۲-۶- رسانه ها:
- ۷۹..... ۲-۲-۶-۱- تأثیر کتاب و روزنامه در تغییر اندیشه ها
- ۸۱..... ۲-۲-۷- آسیب های اجتماعی:
- ۸۱..... ۲-۲-۷-۱- اعتیاد
- ۸۳..... ۲-۲-۷-۲- جنگ
- ۸۵..... ۲-۲-۷-۳- قحطی
- ۸۸..... ۲-۲-۷-۴- فقر
- ۹۰..... ۲-۲-۷-۵- بیماری
- ۹۲..... ۲-۲-۷-۶- بی سوادى
- ۹۴..... ۲-۲-۷-۷- خیانت
- ۹۵..... ۳-۲-۸- جامعه و تأثیر وقایع بر آن:
- ۹۵..... ۲-۲-۸-۱- توصیف جامعه
- ۱۰۱..... ۲-۲-۸-۲- تغییر بافت اشرافی جامعه
- ۱۰۲..... ۲-۲-۸-۳- فساد اخلاقی جامعه
- ۱۰۶..... ۲-۲-۸-۴- فساد دستگاه حکومتی
- ۱۰۸..... ۲-۲-۸-۵- رواج نزول و رشوه خواری در جامعه
- ۱۱۱..... ۲-۲-۸-۶- بی قانونی در جامعه
- ۱۱۴..... ۲-۲-۸-۷- بی عدالتی
- ۱۱۷..... ۲-۲-۸-۸- ترسیم پیشرفت های جامعه
- ۱۱۸..... ۲-۲-۸-۹- فاصله ی طبقاتی
- ۱۱۹..... ۲-۲-۸-۱۰- نحوه ی درس خواندن
- ۱۲۲..... ۲-۲-۸-۱۱- عدم ترقی و پیشرفت جامعه
- ۱۲۴..... ۲-۲-۸-۱۲- بیان اختناق در جامعه

- ۱۲۷..... استبداد ۲-۲-۸-۱۳
- ۱۲۸..... نگاهی به ویژگی های نهادهای اجتماعی: ۲-۲-۹
- ۱۲۸..... بیان غفلت مردم ۲-۲-۹-۱
- ۱۳۱..... سکوت در برابر ظلم و مدارا کردن با آن ۲-۲-۹-۲
- ۱۳۳..... عدم اتحاد میان مردم ۲-۲-۹-۳
- ۱۳۴..... آسیب های روانی: ۲-۲-۱۰
- ۱۳۴..... فقدان انسانیت ۲-۲-۱۰-۱
- ۱۳۶..... ظلم و شکنجه ۲-۲-۱۰-۲
- ۱۳۹..... یأس و ناامیدی ۲-۲-۱۰-۳
- ۱۴۰..... نگاهی به نهادهای کارگری: ۲-۲-۱۱
- ۱۴۰..... بیان مشکلات کارگران ۲-۲-۱۱-۱

فصل سوم: نگاهی دیگر به رمان

- ۱۴۴..... خلاصه ی رمان ها: ۳-۱
- ۱۴۴..... سیاحتنامه ی ابراهیم بیگ (۱۲۷۴ ش) ۳-۱-۱
- ۱۴۵..... تهران مخوف (۱۳۰۱ ش) ۳-۱-۲
- ۱۴۵..... زیبا (۱۳۰۹ ش) ۳-۱-۳
- ۱۴۷..... تفریحات شب (۱۳۱۱ ش) ۳-۱-۴
- ۱۴۷..... اشرف مخلوقات (۱۳۱۳ ش) ۳-۱-۵
- ۱۴۸..... پنجاه و سه نفر (۱۳۲۱ ش) ۳-۱-۶
- ۱۴۹..... گل هایی که در جهنم می روید (۱۳۲۲ ش) ۳-۱-۷
- ۱۵۰..... از رنجی که می بریم (۱۳۲۶ ش) ۳-۱-۸
- ۱۵۰..... دره ی خزان زده ۳-۱-۸-۱
- ۱۵۰..... زیرابی ها ۳-۱-۸-۲
- ۱۵۱..... در راه چالوس ۳-۱-۸-۳
- ۱۵۱..... محیط تنگ ۳-۱-۸-۴
- ۱۵۱..... اعتراف ۳-۱-۸-۵
- ۱۵۲..... آبروی از دست رفته ۳-۱-۸-۶
- ۱۵۲..... روزهای خوش ۳-۱-۸-۷
- ۱۵۳..... چشم هایش (۱۳۳۱ ش) ۳-۱-۹
- ۱۵۳..... دختر رعیت (۱۳۳۱ ش) ۳-۱-۱۰
- ۱۵۴..... مدیر مدرسه (۱۳۳۷ ش) ۳-۱-۱۱
- ۱۵۵..... شوهر آهو خانم (۱۳۴۰ ش) ۳-۱-۱۲

- ۱۵۶..... ۱۳-۱-۳- تنگسیر (۱۳۴۲ ش)
- ۱۵۷..... ۱۴-۱-۳- سایه های گذشته (۱۳۴۴ ش)
- ۱۵۸..... ۱۵-۱-۳- سووشون (۱۳۴۸ ش)
- ۱۵۹..... ۱۶-۱-۳- دل کور (۱۳۵۲ ش)
- ۱۶۰..... ۱۷-۱-۳- همسایه ها (۱۳۵۳ ش)
- ۱۶۱..... ۲-۳- موضوع داستان:
- ۱۶۴..... ۱-۲-۳- رمان انتقاد اجتماعی
- ۱۶۴..... ۲-۲-۳- رمان رسالتی
- ۱۶۴..... ۳-۲-۳- رمان اجتماعی
- ۱۶۵..... ۴-۲-۳- رمان محلی
- ۱۶۵..... ۵-۲-۳- رمان رشد و کمال
- ۱۶۵..... ۶-۲-۳- رمان سیاسی
- ۱۶۵..... ۳-۳- شخصیت در رمان:
- ۱۶۸..... ۴-۳- نوع نگاه نویسنده:
- ۱۶۸..... ۱-۴-۳- نگاه اجتماعی
- ۱۶۹..... ۲-۴-۳- نگاه طبقاتی
- ۱۶۹..... ۳-۴-۳- نگاه انتقادی
- ۱۷۰..... ۴-۴-۳- نگاه سیاسی
- ۱۷۰..... ۵-۳- بررسی رمان ها:
- ۱۷۲..... ۱-۵-۳- سیاحتنامه ی ابراهیم بیگ
- ۱۷۳..... ۲-۵-۳- تهران مخوف
- ۱۷۴..... ۳-۵-۳- زیبا
- ۱۷۶..... ۴-۵-۳- تفریحات شب / اشرف مخلوقات
- ۱۷۸..... ۵-۵-۳- پنجاه و سه نفر
- ۱۷۹..... ۶-۵-۳- گل هایی که در جهنم می روید
- ۱۷۹..... ۷-۵-۳- از رنجی که می بریم
- ۱۸۰..... ۸-۵-۳- چشمهایش
- ۱۸۲..... ۹-۵-۳- دختر رعیت
- ۱۸۳..... ۱۰-۵-۳- مدیر مدرسه
- ۱۸۴..... ۱۱-۵-۳- شوهر آهو خانم
- ۱۸۵..... ۱۲-۵-۳- تنگسیر
- ۱۸۷..... ۱۳-۵-۳- سایه های گذشته
- ۱۸۸..... ۱۴-۵-۳- سووشون

۱۸۹..... ۱۵-۵-۳- دل کور

۱۹۰..... ۱۶-۵-۳- همسایه ها

فصل چهارم: رسالت از یادرفته

۱۹۳..... ۱-۴- نگاهی به ادبیات متعهد:

۲۰۲..... ۲-۴- تأثیرگذاری ادبیات بر اجتماع:

۲۰۷..... ۳-۴- تأثیرپذیری از ادبیات غرب:

فصل پنجم: رمان در بستر تحولات جامعه

۲۱۸..... ۱-۵- نثر در سیر تاریخ:

۲۲۴..... ۲-۵- تحولات بنیانی در رمان فارسی:

۲۲۴..... ۱-۲-۵- تحول زبان

۲۲۷..... ۲-۲-۵- تحول مضمون

۲۳۷..... ۳-۲-۵- تحول عناصر داستانی

۲۴۲..... نتیجه ی رساله

۲۴۸..... فهرست منابع و مأخذ:

۲۴۸..... فهرست کتاب ها:

۲۵۲..... فهرست مقاله ها:

مقدمه

۱- بیان مسئله

ادبیات، روایت زندگی کهن آدمی است از نخستین روزهای حیاتش تا به امروز و شعر و داستان از همان آغاز، با او رشد کرد و بزرگ شد و تکامل یافت.

این اشعار و افسانه‌ها زمانی سینه به سینه نقل می‌شدند و زمانی دیگر شکل مکتوب به خود می‌گرفتند؛ روزگاری نساخانی بودند و آنها را ثبت می‌کردند و روزگاری دیگر صنعت چاپ به یاری ادبیات می‌آمد. ادبیات در بستر اجتماع جریان داشت و می‌بالید. گاهی حماسه مآمن سخن گفتنش می‌شد و گاهی دنیای عارفانه و شرح مستی‌ها و عشقبازی‌های بزرگان. زمانی روایتگر شکست‌ها بود و زمانی دیگر راوی کامیابی‌ها. روزی از جامعه‌ی آرمانی‌اش دم می‌زد و مدینه‌ی فاضله‌ی او را در برابر دیدگان مشتاق مخاطبانش ترسیم می‌کرد و روزی دیگر، همان جامعه‌ی واقعی را توصیف می‌کرد با همه‌ی سیاهی‌ها و تباهی‌ها و نامردمی‌هایی که در تمام لایه‌های آن نفوذ کرده بود و این‌گونه ادبیات در طول حیات خود آینه‌ی اجتماعی‌گشت که از آن برخاسته بود. آینه‌ی امیدها و آرزوهای ملتی که در مهد جنگ‌ها و خشونت‌ها و بیدادها می‌زیست و چشم به آینده داشت. اما این آینده چیزی نبود که او می‌خواست؛ روزهایش خوشبختی را نوید نمی‌دادند و آدم‌هایش دل به زندگی نمی‌سپردند. حیات، مرگی تدریجی بود در تلاقی همه‌ی فسادها و حرمان‌ها و ستم‌ها. ادبیات هم تاریخ همین انسان مسخ شده بود. دیگر شعرهایش، شوری نمی‌آفرید و تصویری خلق نمی‌کرد. نثرهایش نیز اندیشه‌ی او را به تکاپو و انمی‌داشت و رسالتی بر دوش نمی‌کشید. ادبیات، در حصار اجتماعی بود ایستا و بی‌رمق. باید روحی تازه در آن دمیده می‌شد، باید دستی مسیر حرکتش را تغییر می‌داد، باید نوشته‌ها فریاد می‌شدند و شعرها، اعتراض.

نویسنده و شاعر باید درد را می‌شناخت و حس می‌کرد تا بتواند درباره‌اش بنویسد. باید قلم از حصار درباره‌ها و کوشک‌ها خارج می‌شد تا سراینده‌ی آرزوهای کوچک اما دست‌نیافتنی مردمان شود. ادبیات در انتظار تحولی سترگ بود. تحولی که عصاره‌ی حیات را در جسم بی‌جان او بدمد، بر ذهن‌ها حاکم شود و قلم‌ها را وادار به نوشتن کند و این انتظار در اواخر قرن سیزدهم به پایان رسید.

از اواسط دوره ی قاجار، عدم وجود شعری که از امیدها و شکست های حقیقی انسان ها الهام بگیرد و و قلمی که متعهدانه بنویسد و ادبیاتی که همسو با نیازهای افراد جامعه حرکت کند، از سوی عده ی اندکی احساس شد.

در اولین گام برای ایجاد تحولات عظیم در ادبیات فارسی، نویسندگان سعی کردند محتوای متون را تغییر دهند. این تغییر محتوا در شعر مشروطه به شکلی برجسته نمود یافت و آرایه های ادبی و صور خیال اهمیت خود را از دست دادند.^۱ اما جز این تغییرات اندک، تحولات چشمگیری در قالب های شعری روی نداد. شعر در نظر ادیبان آن روز مقدس تر از آن بود که برای خوشایند مخاطب در ارکان اصلی آن خللی وارد کنند؛ هنوز راه زیادی باقی بود تا نیما و افسانه اش متولد شود و پایه های شعر کهن فارسی را زیر و زبر کند. با این وجود مضامین شعرها، نشان از دردها و گرفتاری های اجتماعی داشت. دیگر خبری از مدح و اشعار سفارشی نبود و شعرها برای تحقق یک آرزوی دیرین - آزادی - سروده می شدند.

در کنار این تحولات، نثر هم در حال تغییر بود. از سال ها پیش قائم مقام ها و دیگران کوشیده بودند تا نثر را از بند تاریخ نگاری ها و سیره نویسی ها برهانند. دیگر خبری از نوشته های طولانی و کلمات عربی و آرایه های شعری نبود. نوشته ها هر روز بیشتر از روز قبل به زبان محاوره ی مردم نزدیک می شد و نوشته ها بیش از پیش بر دل ها می نشست. به تدریج ادبیات از صورتی زینتی برای خواص به شکل ضرورتی برای عوام درآمد. دیگر خبری از آفرینش زیبایی های لفظی نبود. نویسندگان آفریننده ی معانی روزانه ی زندگی و سراینده ی آرزوها و دردها و رنج های مردم شدند. گویی همه ی آنان با فلوربر هم عقیده بودند که «زبان نویسنده باید برای عامه ی مردم فهمیدنی باشد. یعنی عاری از هر آنچه آن را به منطقه ی جغرافیایی، طبقه ی اجتماعی یا زمانه ی خاصی مرتبط می کند».^۲

زبان ادبی به سوی ساده شدن قدم برمی داشت تا در ورای آن، رسالت حقیقی خود را که همانا بیداری افکار مردم جامعه بود به انجام رساند. نویسندگان به دنبال ساختن واژه هایی ساده بودند که حتی کودکان آنها را دریابند. واژه هایی که همچون نسیم به هر خانه ای راه یابد و در ذهن افراد بنشیند. واژه هایی که حس زندگی، امید و کامیابی را در روح مخاطبان تنها و دل مرده ی آنان بدمد.

۱. ر. ک به: محمد کاظم کاظمی، شعر پارسی، اول (مشهد: ضریح آفتاب، ۱۳۷۹)، ۸۴.

۲. دیوید لاج و دیگران، نظریه ی رمان، (حسین پاینده) اول (تهران: نظر، ۱۳۷۴)، ۷۱.

تحمل سختی های بسیار در سایه ی قدرت های دیکتاتوری در طول سال های متمادی، زندگی انسان را در این سرزمین تبدیل به یک زندگی تنها، فقیرانه، نامطبوع و کوتاه کرده بود^۱ و اینک ادبیات تلاش می کرد تا نویدبخش یک زندگی رؤیایی برای آیندگان باشد.

اندیشه ی الزام و تعهد ادبی در ذهن ادیب و روشنفکر جامعه، در اثر برخورد با مشکلات زندگی و رو به رو شدن او با شرایط محیطی که در آن زندگی می کرد، شکل گرفت. در مسیر این تحولات، اندیشه ی تجدد و امید به دگرگونی در سیاست و فرهنگ، قشر اهل قلم جامعه را بر آن داشت تا از طریق نوشته هایشان گامی هرچند کوچک را بردارند و از آنجا که نثر از نظر موضوع و شکل بیان محدودیتی نداشت اهمیتی به مراتب بیشتر از شعر یافت. آنان دریافتند که نثر بستر مناسبی برای بیان تلخی ها و گزندگی های زندگی است. نثر رفته رفته شکلی جدید به خود گرفت تا بتواند در ورای کلماتش، اندیشه ها را دگرگون کند. در جریان همین نو شدن ها بود که نویسندگان به قالب های جدید ادبی روی آوردند و در این میان ادبیات داستانی می توانست فضای مناسب را برای خلق مضامین واقع گرایانه در اختیار آنان قرار دهد.

اگر بپذیریم «انسان روزی که خواست سخن را به رسالت بفرستد، شعر را اختراع کرد»^۲ باید بپذیریم انسان روزی که خواست نقشی از زندگی را با همه ی دردهایش بر صفحات کاغذی کتاب ها حک کند، رمان را اختراع کرد.

ادبیات نقد زندگی بود و ادبیات داستانی خود زندگی. خود زندگی با همه ی فراز و نشیب ها و همه ی آدم ها و قصه هایش. نویسنده می کوشید تا دنیای ذهنی خود را منطبق با دنیای واقعی که در آن روزگار می گذراند در مقابل چشمان خواننده ترسیم کند. هنگامی که او از دنیای حقیقی زندگی ها سخن می گفت؛ از دغدغه ها و دل مشغولی های هر روزه اش، از بی تابی ها و دلمردگی های افرادش و از روزمرگی های کشنده اش، نفرت خواننده را از دنیایی که در آن به سر می برد، برمی انگیخت. رمان نویس برای جامعه اش می نوشت و تصویری واقعی از آن را ارائه می داد. حقیقت این بود که میان نوشته های آنان و واقعیت دنیای بیرون ارتباطی تنگاتنگ قرار داشت. او سعی می کرد به کمک همین نوشته ها، مخاطب را برای ساختن دنیایی بهتر ترغیب کند. رمان ها، راوی تاریخ انسان و سرنوشت او بودند. از عشق های زمینی او سخن می گفتند و از خیانت هایش، از آرزوهای بلند او می نوشتند و از ناامیدی هایش. دیگر نه از سرزمین های رؤیایی خبری بود و نه از ماجراهای پهلوانی. دنیای این رمان ها دنیایی بود آمیخته با ترس ها و

1. ر. ک به: گلن تیندر، **تفکر سیاسی**، (محمود صدری) اول (تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۴)، ۹۷.

2. محمدرضا حکیمی، **ادبیات و تعهد در اسلام**، سیزدهم (قم: دلیل ما، ۱۳۸۴)، ۲۲.

نگرانی‌ها و محرومیت‌های حقیقی زندگی. دنیایی که در ورای ساختگی بودنش، بازتاب واقعیت‌های زندگی انسان بود با همه‌ی احساس‌های گنگ و مبهمش و یأسی که در پس هر جمله خود را به رخ می‌کشید.

این تحقیق به بررسی هفده رمان از میان رمان‌های معاصر در سه دوره‌ی زمانی مشخص، می‌پردازد. رمان‌هایی که هر یک برشی است از دنیای نویسندگانشان و نوع نگاه آنان به زندگی. در این بررسی آنچه بیش از هر چیز دیگری مورد توجه قرار گرفته است، بازتاب مسائل سیاسی و اجتماعی در آنهاست؛ زیرا رمان از یک سو داستان اجتماع است و از سوی دیگر، رابطه‌ی پنهان با سیاست دارد.

نباید فراموش کرد که «در ایران ما از روزگاران دور، سرنوشت کلی زندگی مردم در خلأ و برزخی تعیین می‌شد که از کنش جزئی و خرد کسی تأثیر نمی‌گرفت»^۱ و همواره تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی بدون هیچ‌گونه ارتباطی با مردم و زندگی‌هایشان روی می‌داد. با این وجود صاحبان قلم بر آن بودند تا با موج انقلاب مشروطه که همه‌ی نهادهای اجتماعی را درگیر مسائل داخلی و رویارویی با قدرت حاکم کرده بود، هم صدا شوند و با نوشته‌هایشان قلب‌ها را تسخیر کنند. به این ترتیب آنان راوی زندگی‌هایی شدند که در درازنای تاریخ در رخوتی بی‌پایان جریان داشت. تصویرگر انسان‌هایی شدند دلزده، تنها و ناامید.

اینان اگر نتوانستند نهضتی ایجاد کنند اما توانستند اندیشه‌ی را تغییر دهند و نگاهی را متحول کنند و این برای ادبیات، موفقیتی عظیم بود.

اگرچه سیاحتنامه‌ی ابراهیم بیگ نتوانست از قدرت حاکم و استیلای او بر زندگی‌ها بکاهد؛ اما تهران مخوف، هراس از زیستن را در سرزمینی اینچنین نشان داد. زیبا تلاقی قدرت و شهوت را تصویر کرد. تفریحات شب و اشرف مخلوقات با پرسه زنی‌های شبانه‌ی قهرمانانش به زوایای تاریک زندگی مردم در اجتماع سرک کشید. پنجاه و سه نفر رنج‌نامه‌ی مبارزان راه آزادی بود. گل‌هایی که در جهنم می‌روید از جهنم ایران گفت. از رنجی که می‌بریم از زندگی کارگران نوشت، از تبعیدهایشان، از اعتصاب‌تشان و از رنجی که می‌بردند. چشم‌هایش تردید میان عشق و وظیفه را بیان کرد. دختر رعیت در دل انقلاب جنگل، از تیره روزی‌ها و تسلیم شدن‌های دخترتری در برابر ارباب نوشت. مدیرمدرسه از سرخوردگی‌ها و بی‌انگیزه بودن‌های روشنفکر ایرانی گفت. شوهر آهو خانم راوی زندگی زن‌هایی شد که در دام سنت و هوس اسیر بودند. تنگسیر

۱. ر. ک به: محمدرفع محمودیان، **نظریه‌ی رمان و ویژگی‌های رمان فارسی**، اول (تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۲)، ۲۳۲.

شرح قیامی فردی بود در برابر بی عدالتی ها، تزویرها و خیانت ها. سایه های گذشته از خاطرات کودکی نوشت، خاطراتی که علی رغم دیرینگی شان، رنگ غم، فقر، محرومیت، فساد، جنگ و... بر چهره ی آن هویدا بود و همسایه ها شرح بزرگ شدن نوجوانی بود در گیر و دار جنبش نفت و در بطن مبارزه و ایستادگی.

می گویند «هر ملتی در ادبیات خود شرایط تاریخی ویژه ی خود را منعکس می کند»^۱. در ایران نیز ادبیات و به ویژه ادبیات داستانی با استفاده از زبان به عنوان وسیله ی بیان عقایدش شروع به بالیدن کرد. روشنفکران و ادیبانش قلم و کاغذ را جایگزین منبر و خطابه کردند و مبارزانش، در جامه ی ادبیات و نه در کسوت سیاست به مبارزه ی خود ادامه دادند. در همان آغاز راه، مضامین اجتماعی با رویکردی انتقادی مورد توجه نویسندگان قرار گرفت. همه از زندگی نوشتند، از سختی های بی شمار زندگی و از دلخوشی های اندکش. از اجتماعی سخن گفتند که قرن ها پیش از حرکت و تکاپو بازایستاده بود و با تفکر و اندیشه ای بسته و محدود به حیات خود ادامه می داد. رمان ها به خوبی زندگی در آن روزگار را تصویر کردند. زندگی هایی که در آن، امیدها و آرزوها و لاجرم رسوایی ها و شکست های مردمانش خرد و حقیر بودند.

«داستان نویسان قبل از همه انگشت به نقاط ضعفی گذاشتند که به نظر آنها جامعه ی ایران از آنها رنج می برد و لذا داستان های آنها بازنمای مسائل اجتماعی و سیاسی زمانشان شد»^۲. در این داستان ها وضع نه چندان مطلوب زنان در جامعه، امتیازات اجتماعی بعضی از لایه های جامعه، فساد اجتماعی افراد قدرتمند، بدبختی و فلاکت طبقات فرودست، تقلب، ظلم و ستم ستمگران و فقر ستمدیدگان زمینه های اصلی خلق ماجراهای رمان را بر عهده داشتند. نویسندگان می نوشتند و نوشته هایشان، روایت زندگی هایی در محیط بسته و خفقان آور آن روز بودند و فریاد اعتراضی علیه تزویر، دروغ، تعصب، فقر و محرومیت انسان ها.

ناگفته پیداست که بررسی داستان ها با توجه به وقایع سیاسی و اجتماعی زمانشان به شناخت کافی از تاریخ آن دوره ها نیاز دارد. در فصل اول (ایران در گذر تاریخ) به طور خلاصه گوشه ای از وضعیت ایران در فاصله ی سال های مشروطه تا ۱۳۵۷ بیان شده است. فصل دوم (اجتماع در آینه ی رمان) به ذکر شاهد مثال هایی از رمان ها و ارتباط مضامین داستانی با زندگی واقعی

1. جورج لوکاج، **معنای رئالیسم معاصر**، (فریبرز سعادت) اول (تهران: نیل، ۱۳۴۹)، ۱۴۱.

2. گروه نویسندگان، **ادبیات داستانی در ایران و ممالک اسلامی**، (یعقوب آژند) دوم (تهران: آرمین، ۱۳۷۴)، ۱۴.

اختصاص دارد. فصل سوم (نگاهی دیگر به رمان) شرح خلاصه ای از رمان‌ها، بررسی آنها و نگاهی به نوع شخصیت‌ها، نگاه نویسنده و موضوعات رمان فارسی است. فصل چهارم (رسالت از یاد رفته) روند تأثیرگذاری رمان بر اجتماع و تأثیرپذیری اش از آن را دنبال می‌کند. فصل پنجم (رمان در بستر تحولات جامعه) نیز به بررسی تحولات تدریجی زبان و مضامین رمان فارسی می‌پردازد.

می‌توان اعتراف کرد که ادبیات فارسی، چه نظم و چه نثر آن، همپای افراد جامعه‌ی ایران رنج‌ها و یأس‌ها و شکست‌های بسیاری را تجربه کرده است. گاهی نور امید را بر دل‌ها می‌تاباند و زمانی به نهیلیسم روی می‌آورد. روزی از شکنجه‌ها سخن می‌گوید و روزی دیگر از پیروزی در مبارزه‌ها دم می‌زند و همین‌هاست که ادبیات این سال‌ها را به ادبیاتی پویا و ماندگار و زنده تبدیل کرده است.

۲- دوره‌های تاریخی تحقیق

دوره‌های مورد بررسی در این تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

دوره‌ی اول: از سال‌های مشروطه تا ۱۳۲۰.

دوره‌ی دوم: از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲.

دوره‌ی سوم: از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷.

۳- سؤال‌های اصلی تحقیق

- ۱) اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در دوره‌های مورد نظر چگونه بوده است؟
- ۲) تأثیر وقایع مهم سیاسی و اجتماعی در تبیین مضامین رمان‌های فارسی چه تأثیری داشته است؟
- ۳) آیا می‌توان رمان‌های فارسی را بر اساس موضوع، نوع نگاه نویسنده و شخصیت‌ها دسته‌بندی کرد؟
- ۴) ادبیات ایران نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی چه تأثیر و تأثیری داشته است؟
- ۵) سیر تحول و شکل‌گیری رمان‌های فارسی با توجه به تغییرات سیاسی و اجتماعی حاکم چگونه بوده است؟

۴- پیشینه ی تحقیق

در زمینه ی این موضوع می توان به کتاب هایی از قبیل: نقد اجتماعی رمان فارسی از عسگر عسگری، داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع از شاهرخ مسکوب، واقعیت اجتماعی و جهان داستان از جمشید مصباحی پور ایرانیان و رسالت از یاد رفته از علی اکبر کسمایی اشاره کرد. در این تحقیق اوضاع سیاسی و اجتماعی زندگی مردم در یک محدوده ی زمانی و ردپای حضور اجتماع در این رمان ها مورد توجه قرار گرفته است که در کتاب های نامبرده به شکلی کمرنگ جلوه دارد.

۵- فرضیه های تحقیق

- ۱) اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در دوره ی معاصر امکان تبیین و دسته بندی دارد.
- ۲) وقایع مهم سیاسی و اجتماعی در مضمون سازی رمان فارسی مؤثر بوده است.
- ۳) احتمالاً می توان رمان ها را از نظر موضوعی، نوع نگاه نویسنده و شخصیت ها بررسی و دسته بندی کرد.
- ۴) ادبیات ایران بر مسائل سیاسی و اجتماعی تأثیر گذاشته و احتمالاً از آن متأثر است.
- ۵) ممکن است رمان فارسی از تغییر بافت سیاسی و اجتماعی جامعه متأثر شده و تحول یافته باشد.

۶- روش تحقیق

در این رساله، مطالعه ی رمان های معاصر فارسی و تحلیل محتوایی آنها، روش اصلی تحقیق است. برای شناخت بهتر جامعه ی مورد نظر و سخن گفتن درباره ی تحولات ادبی رمان ها در راستای تحولات سیاسی و اجتماعی، مطالعه ی کتاب های تاریخی و نقد ادبی نیز در دستور کار قرار گرفت.

۷- اهداف و ضرورت تحقیق

می دانیم که رمان همواره به عنوان قالبی نو در ادبیات فارسی مطرح است. از همان آغاز که نویسندگان برای نوشتن رمان، قلم به دست گرفتند، به آثار ادبیات غرب چشم دوختند. فنون

داستان نویسی و مضامین داستانی از روی ترجمه های همین آثار در ادبیات فارسی شکل گرفتند و نویسندگان ایرانی با دو قرن تأخیر، تلاش کردند تا همپای بزرگان ادبی جهان قدم بردارند. این تحقیق کوشیده است تا نقاط ضعف و قوت آنان را در این تأثیرپذیری ها بازشناسد.

فصل اول:

ایران در گذر تاریخ